

آمریکای لاتین، مدافعان نولیبرالیسم و ارتجاع حاکم

نیست. نولیبرال‌های وطنی نیز به دلایل مشخص و با نقاب دفاع از مالکیت فردی و "اقتصاد آزاد" سعی در تخریب مبارزه قهرمانانه مردم و دولت کوبا بر ضد سرمایه انحصاری و آن دسته از کشورهای دیگر آمریکای لاتین که با انتخاب مردم، نیروهای مترقی و چپ در آن به قدرت رسیده اند، دارند. در این زمینه و برای درک عبار "آزادی خواهی" نولیبرال‌های وطنی، توجه به بنیاد فکری آنها که از جمله در کتاب "آزادی خواهی نافرجام - نگاهی از منظر

ادامه در صفحه ۳

چندی است که دامنه تبلیغات مغرضانه مدافعان نسخه های نولیبرالی در اقتصاد پیرامون تحولات جهانی به ویژه در آمریکای لاتین، در رسانه های همگانی میهن ما گسترش چشم گیر یافته است. در عین حال ارتجاع حاکم نیز با مانورهای فریبکارانه و انگیزه های بهره وری سیاسی روابط دیپلماتیک عادی میان برخی کشورهای آمریکای لاتین، مانند کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه با جمهوری اسلامی را به طور زیرکانه به عنوان "پیوندهای عمیق" و برادرانه مطرح می کند. پر واضح است که تبلیغات مرتجعان به سود هدفهای معینی نشانه گیری شده و از برادری در این میان خبری

در صفحه ۴

در صفحات ۷ و ۸

بیانیه در دفاع از کارگران و دانشجویان میهن

کنفرانس سران هشت کشور بزرگ صنعتی



ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۷۶۷، دوره هشتم

سال بیست و یکم، ۲ تیرماه ۱۳۸۶

تشکیل سندیکا های کارگری

مستقل حق مسلم کارگران است

سخنرانی فعال سندیکایی کشورمان

در بیست و سومین اجلاس مرکز بین

المللی حقوق سندیکایی

برگزاری نود و ششمین

اجلاس «سازمان بین المللی

کار» - خرداد ۱۳۸۶ - ژنو

نود و ششمین اجلاس سالانه "سازمان بین المللی کار" در خردادماه جاری در ژنو - سوئیس برگزار شد. ۱۶۸ هیئت نمایندگی از کشورهای عضو با شرکت نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران در این اجلاس حضورداشتند و در بحث های آن در مورد عرصه های مختلف بازار کار و هماهنگی برای یکدست کردن روابط و قوانین کار در سراسر جهان شرکت کردند. نمایندگان آژانس های ویژه سازمان ملل، سازمان های بین المللی سندیکائی و سازمان های غیردولتی فعال در امر اشتغال و بازار کار نیز در اجلاس امسال شرکت فعال داشتند. محور عمده بحث های اجلاس سعی در اتخاذ تصمیماتی در رابطه با مسائلی تحت عنوان "جهانی شدن" و ارائه "راه حل" برای مجموعه مشکلات

ادامه در صفحه ۲

در راه فعالیت ثمر بخش سندیکایی

و نیست. این امر به ویژه در مرحله کنونی رشد و گسترش جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران از اهمیت درجه اول برخوردار است. جنبشی که هنوز نو پا قلمداد می شود، بیش از هر چیز به وحدت و اتحاد عمل نیازمند است! غ

برای تامین وحدت صفوف طبقه کارگر در مبارزه صنفی در وهله نخست باید به کار پیگیر و صبورانه در میان توده های زحمتکش پرداخت و از هیچ مانعی نهراسید، از همه امکانات و روزه ها با حفظ اصولیت و جانبداری طبقاتی استفاده کرد. وحدت و تشکل آسان به دست نمی آید، بنابر این با واقع بینی و شکیبایی می باید به کار مستمر و خستگی ناپذیر ادامه داد و با هوشیاری و تیز بینی دائمی، مانورهای تبلیغاتی و روش های مخرب امپریالیسم و ارتجاع را خنثی و افشاء کرد، اما در ارتباط با جنبش کارگری - سندیکایی و چگونگی فعالیت ثمر بخش سندیکاها در دوران کنونی و با در نظر داشتن اوضاع سیاسی حاکم، از میان رشته بحث های موجود می توان به دو نوع گرایش در این زمینه اشاره داشت که هر دوی این گرایشها به اعتقاد ما برای فعالیت سندیکایی و آینده آن راه حل های نامناسب و غیر اصولی ارائه می کنند. گرایش نخست با دیدگاهی اراده گرایانه و ذهنی برای جنبش سندیکایی اختیاراتی فراتر از یک سازمان صنفی - طبقاتی قایل می شود و وظایفی را برای سازمان های سندیکایی مطرح می کند که اصولا با ماهیت آن ناهمخوان

ادامه در صفحه ۶

با رشد آگاهی طبقاتی زحمتکشان و حمایت روزافزون آنان از سندیکاها مستقل و احیای حقوق سندیکایی، جنبش کارگری - سندیکایی میهن ما در مرحله ای دشوار و حساس قرار گرفته و وظایفی خطیر و سنگین در برابر آن خود نمایی می کند. یکی از این وظایف اساسی که در عین حال از اولویت ویژه در دوره کنونی برخوردار است، چگونگی فعالیت ثمر بخش برای تشکل و سازماندهی وسیع کارگران و زحمتکشان در سازمان های پایه ای خود در واحدهای مختلف تولیدی و خدماتی است. همین امر سبب بحث و داوری هایی در درون و بیرون از جنبش سندیکایی گردیده و ذهن بسیاری از فعالان کارگری و نیروهای هوادار منافع زحمتکشان را به خود مشغول داشته است.

وجود این بحث ها که خود ناشی از حضور گرایشها مختلف در درون جنبش سندیکایی است، فی نفسه امری غیر طبیعی و مشکل زا نیست، اصولا جنبش سندیکایی بنابه ماهیت خود، از آنجا که وظیفه اصلی آن متشکل ساختن کارگران در دفاع از حقوق و منافع صنفی آنان و دیگر مزدبگیران است، از حقوق و منافع همه زحمتکشان صرف نظر از رنگ، مذهب، نژاد و اعتقاد و وابستگی سیاسی دفاع کرده و وجود عقاید متفاوت سیاسی در میان کارگران در امر مبارزه برای تامین حقوق صنفی، مانعی در راه سازماندهی آنان در سندیکاها به عنوان یک سازمان طبقاتی نبوده

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه!»



مزایای اجتماعی، حقوق کاری و سیستم تامین اجتماعی مورد بی اعتنایی قرار دارند، و نهایتاً جایی که فعالان سندیکائی و خانواده های آنان با تهدید، حمله فیزیکی و بازداشت و شکنجه و اخراج روبرو هستند معرفی کرد. او آنگاه با ارائه تحلیلی از مبارزه کارگران ایران برای احقاق حقوق خود و از جمله ایجاد تشکل های مستقل کارگری، تاریخ مبارزات کارگری از انقلاب بهمن تا کنون را به چهار دوره ۱۳۵۸ - ۱۳۶۷، ۱۳۶۸ - ۱۳۷۶، ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ و نهایتاً دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد از تابستان ۱۳۸۴ تقسیم کرد. سخنران با ارائه مثال های مشخص به اینکه رژیم اکنون

مانند دوره جنگ با عراق به بهانه درگیری های دیپلماتیک با ایالات متحده، و با پنهان شدن پشت شعار «وحدت ملی»، هرگونه انتقادی را با مشت پاسخ می دهد، به اوج گیری سرکوب جنبش اعتراضی زحمتکشان از زمان تشکیل دولت پاسداران و امنیتی ها در تابستان ۱۳۸۴ اشاره کرد.

سخنران ضمن ارائه تحلیلی از مشخصه های دوره های چهارگانه حیات رژیم و تبعات آن ها برای جنبش کارگری میهن مان، به نقطه عطف هائی در مبارزه بفرنج و دشوار ۲۸ ساله زحمتکشان اشاره کرد: «سخت شدن شرایط زندگی کارگران و مزد بگیران به دلیل اعمال سیاست های «تعدیل ساختاری» بر اساس نسخه های تحمیلی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی اوج گیری حرکات اعتراضی کارگران و زحمتکشان را به دنبال داشت. خصوصی سازی، فروش صنایع ملی و کارخانه های دولتی، واردات بی برنامه عملاً اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشاند. نرخ تورم و سطح بیکاری در تمام سال های این دوره روند افزایشی داشت. برنامه اقتصادی فاجعه آمیز و سیاست دولت در قطع سوبسید ها و ارائه کالاهای اساسی به زحمتکشان با اعتراض قشرهای وسیعی از مردم روبرو گردید. مشخصه ویژه این جنبش اعتراضی نا پیوسته بودن و پراکنده بودن آن و نقش منفی «شوراهای اسلامی کار» و «خانه کارگر» در قبال آن ها بود. این دو ارگان فعال در محیط های کارگری تحت هدایت رژیم و کارفرمایان عملاً در هماهنگی با ارگان های دولتی نقش کنترل و منحرف کردن جهت و شعارهای جنبش کارگری را به عهده داشتند. در دوره ریاست جمهوری محمد خاتمی گرچه سیاست های کلیدی اقتصادی دولت قبلی در رابطه با خصوصی سازی و سیاست درهای باز تجاری ادامه یافت، کارگران و زحمتکشان با بهره جویی از شعار دولت مبنی بر «اصلاحات سیاسی» سعی در ایجاد و احیاء تشکل های کارگری مستقل خویش کردند که از سال های اول انقلاب تعطیل و ممنوع اعلام شده بودند. مبارزه فعالان ترقی خواه جنبش کارگری در سال های آخر دولت خاتمی منجر به پایه گیری و احیاء چندین تشکل مستقل کارگری و از جمله «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه» گردید. فعال سندیکالیست کشورمان آنگاه به موج تداوم یابنده فشارهای ارگان های امنیتی رژیم بر ضد فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد و همدستی آشکار و هماهنگ شورا های اسلامی کار و خانه کارگر با ارگان های رژیم در این سرکوب اشاره کرد. سخنران در انتها عملکرد سرکوبگرانه و امنیتی دولت احمدی نژاد در مقابله با جنبش کارگری و وسعت یافتن موج سرکوب با هرگونه تشکلی در محیط های کاری را مورد توجه قرار داد. حمله رژیم به معلمان مبارز و ادامه فشار بر ضد سندیکای کارگران شرکت واحد و محکومیت منصور اسانلو، از مسئولان این سندیکا به ۵ سال زندان در ماه های اخیر به عنوان مثال های مشخص این موج ارائه گردید. در انتهای سخنرانی که با استقبال رهبران سندیکائی کشورهای مختلف روبرو شد، فعال سندیکائی کشورمان با هیئت های نمایندگی مختلف در رابطه با اشکال همکاری و توسعه جنبش همبستگی با مبارزات حق طلبانه کارگران و زحمتکشان ایران در راستای ایجاد و احیاء تشکل های مستقل صنفی و طبقاتی خود تبادل نظر و تجربه کرد.

قرار است که «مرکز بین المللی حقوق سندیکائی» در سال جاری فعالیت هائی را در رابطه با حمایت از مبارزه برای سندیکا های مستقل کارگری در ایران سازمان دهد.

ادامه تشکیل سندیکاهای کارگری ...

انسانی، اجتماعی و محیط زیستی بود که «جهانی شدن» سرمایه داری برای بشریت بوجود آورده است. در حقیقت سخنرانی مفصل آقای «خوان سوموایا»، دبیر کل سازمان جهانی کار در کنفرانس امسال عمدتاً متوجه برخورد با تبعات «جهانی شدن» فاجعه بار برای زحمتکشان، تشکل های کارگری و بازار کار و محیط زیست بود. هیئت نمایندگی رسمی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس امسال شامل گروه پر تعدادی از جمله جهرمی، وزیر کار، و مشاورانش در وزارت کار، علیرضا معیری و محمد کاظم سجادیپور نمایندگان ویژه دائمی جمهوری اسلامی ایران در ژنو و همچنین گروه کارفرمایان به مسئولیت ابوالفضل احمد خانلو، رئیس مرکز عالی کارفرمایان، و نمایندگان تحمیلی کارگران از مرکز عالی شوراهای اسلامی کار به سرپرستی ناصر برهانی، داود قادری، غفور عابدی و گیو رفعتیان بود. کنفرانس امسال سازمان بین المللی کار چون همیشه شاهد اعتراضات رسمی و غیر رسمی به عملکرد رژیم و مسئولان آن در رابطه با مسائل کارگری و همچنین ترکیب اعضای شرکت کننده در هیئت به نمایندگی کارگران ایران بود. مسئله سرکوب تشکل های مستقل کارگری، برخورد خشن رژیم با اعتراضات معلمان کشور و همچنین بازداشت و پیگرد فعالان سندیکائی ایران از سوی چندین مرکز سندیکائی جهان به کنفرانس امسال گزارش شده بود. امسال هم چون سال های گذشته به ابتکار نیروهای مخالف رژیم آکسیون های اعتراضی و افشاگرانه در محل برگزاری کنفرانس در ژنو سازمان داده شده بود.

تشکیل سندیکا های کارگری مستقل حق مسلم کارگران است

سخنرانی فعال سندیکائی کشورمان در بیست و سومین اجلاس «مرکز بین المللی حقوق سندیکائی»

بیست و سومین اجلاس سالانه «مرکز بین المللی حقوق سندیکائی» (م.ب.ح.س.) در اواسط خرداد ماه جاری در ساختمان مرکزی «سازمان جهانی کار» در ژنو برگزار شد. حضور سی و پنج سازمان سندیکائی ملی و بین المللی و از جمله «سازمان وحدت اتحادیه های کارگری قاره آفریقا»، کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، «فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری»، فدراسیون سندیکاهای سراسر چین، کلمبیا، مصر، سودان، ایران، زلاند نو، استرالیا، و ایالات متحده به بیست و سومین اجلاس اهمیت ویژه ای داده بود. اجلاس پس از سخنان پروفیسور کیث ایونینگ، حقوقدان خبره قانون کار، به بررسی اوضاع حقوق بشر در کلمبیا و قاره آفریقا پرداخت. در بخشی از اجلاس امسال نماینده کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری در رابطه با کارزار موفق و پیگیر بر ضد کار کودکان، و کار اجباری سخنرانی کرد.

به دعوت مرکز بین المللی حقوق سندیکائی، یکی از سخنرانان اصلی اجلاس امسال یک فعال جنبش سندیکائی کشورمان بود که برای شرکت در این اجلاس در ژنو حضور داشت. سندیکالیست ترقی خواه ایرانی در سخنان خود ضمن تحلیل شرایط سیاسی و اجتماعی ایران به بررسی شرایط کارگری زحمتکشان در ایران و مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل پرداخت.

فعال سندیکائی کشورمان در آغاز سخنان خود از «م.ب.ح.س.» برای حمایت پیگیر آن از جنبش همبستگی با اتحادیه های کارگری ایران تشکر کرد. سخنران، ایران را به عنوان کشوری که «در آن کارگران به دلخواه کارفرما بیکار می شوند، جایی که دستمزد ها برای ماه ها پرداخت نمی شود، جایی که دولت در تیبانی با کارفرمایان قرارداد های رسمی را ملغی اعلام کرده و به جای آن قرارداد های موقت و سفید امضاء ترویج می دهد، که در قوانین آن

ادامه آمریکای لاتین ...

های کافه ای و شومینه ای هم صحبتان فریخته ای هستند اما برای طراحی اولویت های امنیتی، سیاسی، بین المللی و البته اقتصادی نباید شرکای مناسبی باشند. به راستی آیا تصور می کنید امثال چاوز، اورتگا و کوررا (شاگردان فروتن کاسترو) می توانند متحدانی استراتژیک برای ایران باشند؟»

به دنبال این موضعگیری ها، روزنامه "دنیای اقتصاد"، به تاریخ ۲۴ بهمن ماه در مقاله ای تحت عنوان ریشه یابی بازگشت سوسیالیسم به آمریکای لاتین خاطر نشان ساخت: "چندی پیش اغلب تلویزیون های جهان به عنوان خبری ویژه فیلمی از ملاقات حضوری چاوز، رییس جمهور ونزوئلا و فیدل کاسترو حاکم کوبا را نشان دادند، این دیدار، ظاهرا با تشکیل اتحادیه ای از سوسیالیست های جدید آمریکای لاتین بی ارتباط نیست. در ماه های اخیر نفراتی در انتخابات کشورهای مانند ونزوئلا، اکوادور، پاراگوئه و نیکاراگوئه برنده شده اند که شعارهایی تند علیه سرمایه داری جهانی به سبک سوسیالیست ها می دادند. جالب اینکه در کشورهای مانند نیکاراگوئه یا اکوادور با شعارهای سوسیالیستی کسانی به قدرت رسیدند که قبلا در لباسی دیگر امتحان خود را پس داده بودند... صورت مضحک تر مساله این است که مثلا پوپولیست های آمریکای لاتین پس از قبضه حاکمیت دوباره بحث موزه ای ملی کردن صنایع به ویژه در بخش نفت و گاز را مطرح کرده اند. آن هم در عصری که جهانی سازی در همه جوانب شروع شده و منافع دراز مدت ملت ها در پیوستن به قافله توسعه اقتصادی و جهانی شدن است..."

این روزنامه سپس ادامه می دهد: "آیا هنوز باور نکرده اند که شیوه های حکومتی کوبای کاسترو عموما به درد موزه های تاریخ سیاسی و اقتصادی می خورد؟ آیا روش های اقتصادی دولتی و هدایت شده آنان جز توزیع فقر و رشد فساد در جامعه شان دستاورد دیگری داشته است؟ آیا اشاعه فرهنگ و ادبیات تنفر و بستن چهار دیواری برای آن کشورها و نبود آزادی های فردی نتیجه ای جز فقر و فحشا برای کوبا و همفکرانش به وجود آورده است؟ اکنون بخشی از حاکمان آمریکای لاتین که خود را در برابر امواج توفنده توسعه (اقتصادی و سیاسی و جامعه مدنی) آسیب پذیر می بینند شروع به نش قیر کمونیسم کرده و شعارهای دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی را دوباره رواج می دهند، گویی با این روش اشباح را از قبرستان کمونیسم و سوسیالیسم به مهمانی ملل عقب مانده [خوب توجه کنید ملل عقب مانده نه ملل فقیر و عقب نگاه داشته شده] دعوت می کنند تا آن مردگان به این زندگان نا امید [مردم زحمتکش] بقبولاند که تنها راه، دادن شعار محو و نابودی سرمایه داری جهانی است... در راه برنامه ریزی و بنا کردن جامعه ای مدرن (جامعه مدنی) جامعه آمریکایی لاتین و دیگر کشورهای همفکر باید بپذیرند، لنین، چه گوارا، فیدل و... قابل احترام هستند ولی متعلق به گذشته اند. راه و روش شان و اندیشه شان راهی تازه برای توسعه، عدالت، رشد اقتصادی و زدودن فقر و فساد در جوامع نخواهد گشود. برای توسعه (به ویژه توسعه سیاسی) تنها راه پیوستن به کاروان جهانی سازی، تعامل با دنیا و بهره گیری از مدیریت و سرمایه گذاری کشورهای پیشرفته است. مصرف داروی ملی کردن صنایع به دلیل باطل شدن تاریخ اعتبارش زیان آور و حتی کشنده خواهد بود. باید به جامعه جهانی پیوست و مهمانی برگزار کردن برای اشباح، در این راه هیچ نقشی بازی نخواهد کرد..."

البته نکته قابل توجه در این زمینه اینجاست که "نوگرایی" نویسندگانی از این دست تنها تکرار خسته کننده و بی محتوی نظریات کهنه و پوسیده دفاع از سرمایه داری انحصاری بی است که ثمرات حاکمیت آن حتی در کشورهای پیشرفته نیز دیگر قابل دفاع نیست. زندگی بیش از یک میلیارد نفر انسان محروم و به زعم نویسنده بالا "زندگان نا امید" زیر خط فقر ثمره حاکمیت نظام ضد انسانی سرمایه داری انحصاری است که مردم جهان، از جمله ده ها میلیون شهروند ایرانی آن را با پوست و گوشت خود احساس کرده اند. آنچه تاریخ مصرفش تمام شده نه مبارزه اوج گیرنده جنبش عظیم اجتماعی با سرمایه داری و جهانی شدن است بلکه نظریه "پایان تاریخی" است که حتی مطرح کنندگانش نیز دیگر نفس دفاع از آن را ندارند.

با تعطیلی شبکه تلویزیونی RC TV، توسط رییس جمهور ونزوئلا، فرصتی در اختیار مدافعان، اصالت فردیت و مالکیت قرار گرفت. در این زمینه "کارگزاران"، "حزب اسلامی کار" و "خانه کارگر" یک صدا زبان به اعتراض گشودند. خبرگزاری کار ایران - ایلنا به تاریخ ۷ خرداد ماه با تیتر جنجالی و هدفمند: "ایستگاه تلویزیونی خصوصی ونزوئلا به دستور هوگو چاوز تعطیل شد" از جمله نوشت: "مخالفان وی (چاوز) بستن شبکه تلویزیونی خصوصی را محکوم می کنند و آن را اقدامی در جهت ضایع کردن، ... حق آزادی بیان و خلاف دموکراسی می دانند." دفاع مدافعان سینه چاک لیبرالیسم و جهانی شدن از آزادی و بیان اینگونه نظرات، هدفمند بوده و در خدمت مقاصد معینی قرار دارد. به زعم اینان، آزادی و دموکراسی با خصوصی سازی و اقتصاد بازار آزاد یکسان و در هم تنیده هستند. آزادی یعنی آزادی سرمایه برای غارت انسان های محروم. آزادی یعنی آزادی تجاوز انحصار ها به محیط زیست و حقوق شهروندان آفریقا، آسیا، آمریکای

اقتصاد سیاسی به تجربه ایران معاصر" بر آن تاکید شده، حائز اهمیت فراوان است. گروهی از اقتصاددانان مدافع و بعضا طراح برنامه های تعدیل اقتصادی در این کتاب مدعی اند: "یکی از مهمترین و پایه ای ترین محک ها و ضوابط برای قضاوت در مورد آینده حرکت های سیاسی... موضع آنها در مورد چگونگی احترام به حقوق و آزادی های فردی، حقوق مالکیت و به رسمیت شناختن آزادی انتخاب در فعالیت اقتصادی است..." این اصول اولیه در دو قرن اخیر قوی ترین و موفق ترین نظام های اجتماعی را پایه گذاری کرده است... اندیشه مدرن و به تبع آن جامعه مدرن یعنی مفهوم و منزلت فرد (ارزش ها، آزادی اقتصادی و حقوق فردی) همیشه مورد غفلت اکثر اندیشمندان ایرانی قرار گرفته است... جامعه مدنی بدون اقتصاد آزاد و بیرون از حیطه اقتدار و تصمیم گیری قدرت سیاسی قابل تصور نیست. اقتصاد آزاد (غیر دولتی) شرط لازم برای امکان و تداوم سایر آزادی های سیاسی و مدنی است... بخش خصوصی معنایی جز آزادی انتخاب و تضمین حقوق فردی و از جمله مالکیت فردی ندارد، تا زمانی که منزلت فرد، آزادی، مالکیت فردی محور قرار نگیرد. بخش خصوصی و اقتصاد آزاد به معنای واقعی کلمه تحقق نخواهد یافت." (۱)

چنین بینشی کشف تازه ای نیست و در میهن ما طی دو دهه اخیر با اجرای سیاست های تعدیل اقتصادی و اصلاح ساختار اقتصادی، بر پایه دستورات صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، موجب نابودی بنیه تولیدی، گسترش فقر و فرسایش پایه های فرهنگی-اخلاقی جامعه شده است. در عرصه مسایل روز، این نوع بینش و بطور کلی هواداران ایرانی نو لیبرالیسم در ماه های اخیر به تبلیغات گسترده بر ضد کوبا، ونزوئلا و نیکاراگوئه دست زده اند. از جمله روزنامه "کارگزاران" به تاریخ ۳۰ دی ماه سال گذشته در مطلبی با نام "پوپولیست در دام پوپولیسم" نوشت: "هوگو چاوز به عنوان رییس جمهور ونزوئلا که یک پوپولیست ماهر است، اکنون در دامی افتاده است که خود بنیان آن را گذاشته، چاوز در آخرین اقدام خویش و برای رسیدن به هدف از مجلس اجازة گرفت اختیارات فرا قانونی داشته باشد رفتار چاوز برای ملی کردن صنایع مخابرات، برق و نفت و زیر مجموعه های این صنایع جز بازگشت به عقب آیا چیز دیگری است؟ آیا چاوز با دادن وعده های پر شمار به تهی دستان و تاسیس هزاران تعاونی می تواند برای آنها شغل درست کند؟ ناظران آگاه معتقدند او هر روز بیشتر در دروسهای خود ساخته غرق خواهد شد..."

همین روزنامه "کارگزاران" در کنار پایگاه های اینترنتی مانند "آفتاب"، "روزنا" و جز اینها در حمله به چاوز و سیاست های مردمی وی در مقاله ای به نام "شیرینی افزایش مصرف" ضمن دفاع آتشین از مخالفان رییس جمهور ونزوئلا و حمایت از سیاست های امپریالیسم جهانی بر ضد این کشور تاکید کرد "در وجود چاوز می توان یک نوچه جادوگر [جادوگر اصلی به زعم حضرات فیدل کاسترو است و چاوز، مورالس و اورتگا]... "توجه های" او محسوب می شوند! پوپولیست دیگری را از آمریکای لاتین تشخیص داد. کسی که تاریخ مصرف او با پایین رفتن اجتناب ناپذیر قیمت نفت به پایان خواهد رسید... روزنامه "کارگزاران" در یک گزارش مفصل دیگر از ونزوئلا، با تاکید چنین نوشت: "سازمان ها و احزاب مخالف دولت ونزوئلا ... هیچ نماینده ای در مجلس ملی کشور ندارند. چاوز قصد دارد شرکت های بزرگ را در بخش انرژی و ارتباطات کشور به زیر کنترل دولتی در آورد. او همچنین مایل است به مالکیت شرکت ها و افراد خارجی در پالایشگاه های پر سود نفت پایان دهد. منتقدان می گویند او قصد دارد با در دست گرفتن تمام سررشته های اقتصادی کشور، نظامی خود کلمه و تمام گرا در ونزوئلا به پا کند. چاوز در جمع هواداران خود یادآور شده بود که همه قدرت باید به مردم واگذار شود ولی منتقدان می گویند و اطمینان دارند وضعیتی که در ونزوئلا دارد پیش می آید در بهترین حالت به هرج و مرج نزدیک تر است..."

روزنامه "اعتماد ملی" نیز در ۲۵ دی ماه سال گذشته، ضمن حمله به نیروهای چپ در آمریکای لاتین رابطه دیپلماتیک با کشورهایایی مانند ونزوئلا تحت رهبری چاوز را غلط و "خانه بر آب ساختن" نامید و نوشت: ««دوستان» چپ ما در آمریکای لاتین تنها برای نشست



دیگر، سرکوب جنبش کارگری و اخراج های کارگری هم چنان ادامه دارد. منصور اسانلو به پنج سال زندان محکوم می شود و محمود صالحی در زندان سندج با مرگ دست و پنجه نرم می کند. کانون نویسندگان ایران ضمن محکوم کردن تعرض های اخیر، خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، به ویژه دانشجویان، کارگران و معلمان در بند، توقف این موج جدید تعقیب و سرکوب و تمکین حکومت کنندگان به خواسته های بر حق مردم است.

موضوع مهمی که در بیانیه کانون نویسندگان

ایران برجستگی دارد، جنبه حمایت و پشتیبانی آن از جنبش کارگری و دانشجویی میهن ما است که در معرض تعرض دوباره قرار گرفته اند. این آن چیزی است که مردم ما برای دستیابی به خواسته های برحق خود بدان نیاز دارند. باید موضوع همبستگی و امر اتحادهای مردمی، برای کسب آزادی و دفاع از حقوق انسانی را به یکی از بدیهی ترین ضروریات روزمره تبدیل کرد. این آن نیازی است که مردم میهن ما هر روز بیش از پیش آن را احساس می کنند. تجربه نشان داده است که تلاش ها و مبارزات منفرد راه به جایی نخواهند برد. تنها در سایه همبستگی و پشتیبانی از یکدیگر است که می توان به نتایج درخور رسید.

آزادی برای همه دانشجویان دربند!

* طرح "سالم سازی" پارک ها و کوه ها، یا اذیت و آزار هر چه بیشتر مردم

در هفته گذشته مسئله حمله و ضرب و جرح زنان و جوانان در خیابان های شهرهای بزرگ، به ویژه در تهران بزرگ، آن هم به بهانه مبارزه با بدحجابی، از موضوعات خبرساز رسانه ای بود. این موضوع به خصوص با آغاز فصل گرما و طبعاً تغییر در نوع و رنگ لباس مردم میهن دامنه بیشتری یافته است. درواقع موضوع پوشش و استفاده از لباس که جزو مسایل شخصی و خصوصی افراد جامعه است، در رژیم ولایت فقیه به موضوعی سیاسی و حیثیتی که گویا می رود بنیان های "نظام اسلامی" را سست کند، تبدیل شده است. روزی نیست که صدها تن از دختران جوان و جوانان به بهانه های واهی چون کم حجابی، آرایش کردن و غیره مورد اذیت و آزار نیروهای امنیتی قرار بگیرند و روانه بازداشت گاه ها نشوند. خود این امر نشان می دهد که موضوع ساده ای چون نوع پوشش و رنگ لباس مردم، خاری است در چشم متحجرین و کورانیدیشان که با هرگونه شادی و نشاط مخالفت می ورزند و حتی در گرمای ۴۰ درجه نیز مردم میهن ما به ویژه زنان را محکوم می کنند که در گرمای طاقت فرسا سرتاپا سیاه بپوشند. البته این موضوعی است که مردم سال های متعددی است که با آن روبرو هستند. آن چه که تازگی دارد، تصمیم مقامات و نیروهای انتظامی مبنی بر اجرای طرحی است به نام "پاکسازی پارک ها، کوه ها، جنگل ها"، البته در این جا منظور نه نگرانی نسبت به تخریب محیط زیست و نابودی مناطق سبز و ارایه راه کارهایی برای جلوگیری از آن است. بلکه این شعاری است که در راستای اجرای طرح سالم سازی تفریح گاه های سراسر کشور، آن هم توسط مأموران نیروی انتظامی صورت می گیرد. قصد رژیم از این "طرح کارشناسانه" درواقع این است که از شنبه هفته آینده تمامی پارک ها، کوه ها، جنگل ها و تمامی تفریحگاه های سراسر کشور از وجود عوامل "مخل امنیت عمومی" پاکسازی می شوند. در این زمینه یکی از مأموران رژیم به نام سردار سرتیپ پاسدار احمد روزبهانی، در مصاحبه با خبرگزاری "مهر" چنین می گوید: "با توجه به آغاز فصل تابستان، تعطیلی مدرسه ها و تمایل بیشتر خانواده ها برای رفتن به تفریحگاه ها و مناطق تفریحی، در راستای اجرای این طرح، حضور مأموران ناجا در این قبیل مناطق برای برقراری امنیت، افزایش می یابد."

روزبهانی که عنوانی چون "مدیرکل مبارزه با مفاسد اجتماعی ناجا" را یدک می کشد، پس از تهدید و هشدار دادن ها در همین گفتگو، ادامه می دهد: "از مردم و شهروندان می خواهیم که حتماً با پلیس همکاری کنند. هموطنان نسبت به رفع ناامنی پدید آمده در تفریح گاه های اطمینان داشته و از اعلام آن به مأموران ناجا هیچ گونه احساس نگرانی نکنند، زیرا بلافاصله موضوع با قاطعیت و جدیت پیگیری می شود." وی امنیتی کردن همه عرصه های جامعه و گسترش دایره دخالت ارتجاع در نوع تفریحات و اوقات فراغت مردم را چنین توجیه می کند: "بی شک نفس حضور بیشتر نیروها در این



* بیانیه در دفاع از کارگران و دانشجویان میهن

در ادامه فشارهای روزافزون بر کارگران مبارز میهن ما و همچنین امنیتی کردن هرچه بیشتر محیط های دانشجویی توسط نیروهای سرکوبگر در هفته های اخیر، موج تازه ای از همبستگی و پشتیبانی از این ستون های جنبش مردمی آغاز گردید. کارزار دفاع از حقوق کارگران و دانشجویان، چه در داخل کشور و چه در خارج از میهن ما، همچنان ادامه دارد. آخرین نمونه آن بیانیه ای است که کانون نویسندگان ایران روز شنبه در ایران انتشار داد و طی آن ضمن هشدار باش به جنبش دانشجویی و کارگری نگرانی خود را نسبت به توطئه های گوناگون بر ضد جنبش دانشجویی به خصوص موضوع "پرونده سازی" برای دانشجویان و کارگران ابراز داشت. آن چه که در این میان جدید است موضوع جعل نشریات دانشجویی توسط نیروهای امنیتی و بسیج دانشجویی است که قصد دارند با انتساب آن به دانشجویان دگر اندیش زمینه سرکوب و اخراج آنان را از دانشگاه های سراسر کشور فراهم کنند. برخورد نیروهای ارتجاعی در ماه های اخیر در مقابل اعتراضات کارگری و دانشجویی نشان از آن دارد که دسیسه های هواداران و عمال رژیم جنبه های گوناگونی را شامل می شود و هدف آنان سنگ اندازی و در نهایت سرکوب این نوع جنبش ها است.

در این بیانیه افشاگر آمده است: "موج تازه ای از سرکوب جنبش دانشجویی که قربانیان اصلی آن دانشجویان مستقل اند، در دانشگاه ها به راه افتاده است. پخش نشریات جعلی و مشکوک به نام دانشجویان و به دنبال آن پرونده سازی های سنگین و نگران کننده، بخشی از این جریان است. حذف و اخراج استادان مستقل، احضار هر روزه دانشجویان به کمیته های انضباطی، جلوگیری از تحصیل قبول شدگان امتحانات ورودی بدون هیچ گونه توجیه، بستن فضای دانشگاه ها و تبدیل محیط های دانشگاهی به جولانگاه مزدوران ضد دانشجو، به قصد ارباب و ارباب و فراهم کردن دستاویزهایی برای تشکیل پرونده و تعقیب دانشجویان، از کردهای دیگر این موج تازه است. از سوی

ادامه نگاهی به رویدادهای ایران...

تامین وسائل ایمنی کارگران. کارگران اعتصابی همچنین بر این موارد نیز تاکید ورزیدند: اخراج عناصر امنیتی و نظامی از هیئت مدیره شرکت که به خاطر نداشتن تخصص موجب سوء مدیریت و ورشکستگی شرکت شده اند؛ متوقف کردن تهدیدات و فشارها و پرونده سازی بر ضد فعالان کارگری این شرکت، ارتقای پایه کارگران بر مبنای تخصص و تجربه و نه بر مبنای وابستگی به نیروهای امنیتی و اطلاعاتی.

کارگران نیشکر هفت تپه طی یک هفته اعتصاب و اعتراض، با توجه به سابقه منفی مدیریت کارخانه در اجرای وعده‌های خود، اعلام کرده‌اند که دیگر هیچ نوع وعده‌ای را نمی‌پذیرند و به مبارزه خود برای کسب قطعی حقوق خود ادامه می‌دهند.

* مهرورزی در حق غرقه داران

در جامعه ما، گروهی از انسان‌های شریف و زحمتکش سالیان متمادی است به شغل غرقه داری به ویژه کیوسک‌های فروش مطبوعات مشغولند و با زحمت و مشقت بسیار زندگی می‌گذرانند. با روی کار آمدن دولت احمدی نژاد، وضعیت این گروه از زحمتکشان هم با چالش‌های جدی روبرو شده است. در واقع به گفته یکی از کیوسک‌دارهای مطبوعاتی شرق تهران، دکه داران نیز مانند کارگران، کارمندان، جوانان و دانشجویان و زنان از مهرورزی دولت احمدی نژاد بی نصیب نیستند! از اواخر اردیبهشت ماه امسال اداره ساماندهی شهرداری تهران طی یک دستور العمل از غرقه داران که اغلب شامل کیوسک‌های فروش مطبوعات می‌شود، خواسته است هر چه سریع‌تر نسبت به پرداخت تسویه وجوه معوقه کیوسک و جمع‌آوری الحاقات از روی بام و بدنه کیوسک و جز اینها اقدام کنند. پس از اعلام این دستورات و پاره‌ای برخوردهای توأم با توهین و ضرب و شتم از سوی ماموران شهرداری و افراد بسیج، بنابه پیشنهاد اتحادیه غرقه داران مطبوعاتی، گروهی قابل توجه از دکه داران در اوایل خرداد ماه در غرب تهران گردهم آمدند و نسبت به برخوردهای اخیر و دستور العمل شهرداری دست به اعتراض زدند و از مقامات مسئول خواهان توجه بیشتر به مطالبات و حقوق خود شدند. به دنبال این گردهمایی اعتراضی، کیوسک‌داران مطبوعاتی رسماً اعلام داشتند که، دستور العمل اخیر فقط یک بهانه از سوی مسئولان است و هدف واقعی افزایش غیر قانونی اجاره بهای کیوسک‌های روزنامه و مجله و مزایده‌ای کردن واکذاری آنها به مناقضیان است. حتی برخی دکه داران تاکید می‌کنند که، هدف این است با افزایش اجاره بها باعث شوند، عده‌ای دکه‌های خود را به افراد جدید که بیشتر از اعضای بسیج و هیئت‌های مذهبی سینه زنی و نوحه خوانی اند، واگذار کنند.

روزنامه "شرق" در بخش اجتماعی خود با انتشار خبر کوتاهی از اعتراضات دکه داران از قول آنها گزارش داد: "قصد اداره ساماندهی خارج کردن غرقه از دست صاحبان غرقه که بعضاً ۵۰ سال مالکیت آن را در اختیار داشتند، است." روزنامه "شرق" در ادامه می‌افزاید: "رضا موحدی که خود در خیابان آزادی کیوسک دارد، اعلام کرد تا به امروز ما برای غرقه درجه یک ۱۰ هزار تومان، درجه دو ۶۵۰۰ تومان و درجه سه ۴۵۰۰ تومان پرداخت می‌کردیم اما جدیداً اعلام شده که باید اجاره بها را به ۶۵ هزار تومان برای غرقه‌های درجه سه و ۱۸۰ هزار تومان برای درجه یک افزایش بدهیم."

در واکنش به برخورد با دکه داران زحمتکش که تمام دارایی و ثروت آنها در کیوسک‌های کوچک و محقرشان خلاصه می‌شود و برخی از آنها سابقه ۴۰ تا ۵۰ سال فعالیت در آن را دارند، رییس اتحادیه غرقه داران به روزنامه "شرق" اعلام داشت: "ما زحمتکش‌ترین قشر در ایران هستیم و تا زمانی که منافع ما تامین نشود هیچ قرارداد جدیدی با ساماندهی (شهرداری) منعقد نخواهیم کرد. تا زمان انعقاد قراردادهای جدید همچنان مبالغ سابق پرداخت می‌شود، ما آمادگی داریم در راستای افزایش اجاره بها با توجه به نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی اقدام کنیم اما این منوط به مشخص شدن درجه بندی غرقه‌ها در تعاملات دو طرفه با شهرداری است."

بنابه همین گزارش، کیوسک‌داران زحمتکش توماری را به امضاء رسانده‌اند که در آن مخالفت خود را با افزایش کرایه‌ها که منجر به فقیرتر شدن خانواده‌های آنهاست اعلام کرده و خواستار آن شده‌اند که توهین و تحقیر آنان از سوی برخی مطبوعات (هوادار دولت) پایان یافته و برخورد فیزیکی خشونت‌آمیز با دکه داران نیز محکوم شود! اینک کیوسک‌داران زحمتکش و محروم با تمام وجود، مهرورزی و عدالت خواهی دولت نهم و مرتجعان حاکم را احساس می‌کنند!

قبیل مناطق، خود به نوعی پدید آورنده امنیت است. در این طرح سعی شده است تا ضمن ایجاد امنیت روحی روانی، احساس آرامش برای خانواده‌ای که قصد تفریح دارد، پدید آید." و اضافه می‌کند: "تلاش پلیس بر این است تا احساس نگرانی برخی از خانواده‌ها هنگام رفتن به تفریحگاه‌ها، با کمک خودشان، به احساس امنیت تبدیل شود." مردم میهن ما از خود می‌پرسند، در مقابل این نظارت "بکر"، "مشکل‌گشا" و "کارشناسانه" مسئولان چه می‌توان گفت جز این که خود حضور این دسته نیروهای امنیتی رژیم در خیابان‌ها و پارک‌ها مایه ناامنی هرچه بیشتر است. زیرا که آنان با وارد آوردن فشار بر مردم و ضرب و شتم زنان و جوانان به عدم امنیت اجتماعی دامن می‌زنند. مشکل مردم در اینجا حضور نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم است. سوال این‌جا است که پارک‌ها، کوه‌ها، جنگل‌ها و تفریح‌گاه‌ها را باید از وجود چه کسانی "پاکسازی" کرد؟

* ضرب و شتم، پاسخ رژیم به خواسته‌های

کارگران زحمتکش است!

مردم زحمتکش و کارگران ایران در هفته گذشته بار دیگر شاهد یک اعتصاب بزرگ کارگری بودند. پنج هزار تن از کارگران نیشکر هفت تپه به مدت هفت روز دست به اعتصاب زده و خواهان دریافت حقوق معوقه و دیگر خواسته‌های خود شدند. در روز ۲۴ خرداد ماه بیش از سه هزار تن از کارگران این کارخانه در مقابل ساختمان مدیریت نیشکر هفت تپه اجتماع کرده و با سر دادن شعار به بیان خواسته‌های خود پرداختند. دلیل و انگیزه اصلی اعتصاب این واقعیت تلخ بود که کارگران نیشکر هفت تپه از آغاز سال جدید تا کنون هیچ‌گونه حقوقی دریافت نکرده‌اند و پیگیری آنان برای دریافت حقوق عقب افتاده در ماه‌های اخیر بی‌نتیجه مانده است. با این حال در روز چهارم اعتصاب مقامات مسئول به‌جای رسیدگی به خواسته‌های برحق کارگران با فراخواندن نیروهای انتظامی و حراست کارخانه، کارگران بی‌دفاع را سرکوب کردند. این درحالی بود که در آستانه اعتصاب مدیر عامل شرکت وعده داده بود که کلیه حقوق عقب افتاده و مزایای کارگران طی هفته پرداخت می‌شود.

بر طبق گزارش‌های منتشر شده، پس از ضرب و شتم کارگران زحمتکش، بر تعداد اعتصاب کنندگان افزوده شد و کارگران این کارخانه اعلام کردند که دیگر به وعده‌های دروغین مسئولان باور ندارند و خواسته‌های دیگری را مطرح کردند که نشان از مصمم بودن کارگران برای دستیابی به مطالبات خود و همچنین آگاهی روزافزون آن‌ها دارد. علاوه بر طرح خواسته‌هایی بدیهی مانند، دریافت حقوق معوقه، دریافت پول بن‌های کارگری، دریافت مزایایی که وعده آنها به کارگران داده شده بود، کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه برای رسیدن به این خواسته‌ها نیز عزم خود را جزم کرده‌اند: حق داشتن سندیکای کارگری، حق شرکت کارگران فصلی در انتخاب نمایندگان کارگران، حق طبقه بندی مشاغل،

آزادی برای همه
زندانیان سیاسی
ایران!

ادامه در راه فعالیت ثمر بخش ...

است. سندیکاها سازمان‌های مستقل طبقاتی - صنفی زحمتکشان هستند و همواره باید مستقل بوده و از تبدیل شدن به زایده فعالیت‌های سیاسی و یا نهادهای حکومتی جلوگیری کنند. وارد کردن سندیکاها به اموری که در محدوده وظایف آن نیست و انتظار فعالیت و عملکرد کاملا حزبی از آن، با روح فعالیت‌های سندیکایی و منشور حقوق سندیکایی در مغایرت قرار دارد. گرایشی که هر گونه اقدام در چارچوب وظایف صنفی و استفاده از روزه‌ها و امکانات را "سازشکارانه" و عاری از "جنبه ضد سرمایه داری" ارزیابی می‌کند، از درک ماهیت، وظایف و سرشت فعالیت سندیکایی در بهترین حالت بی اطلاع است و قادر به تشخیص مرز میان فعالیت صنفی - سیاسی و ارتباط دیالکتیکی میان آنها نیست. این گرایش با ارزیابی نادرست از صحنه سیاسی کشور و تحولات کنونی، برای جنبش سندیکایی وظایفی را تعیین و مطرح می‌سازد که به امر وحدت صفوف سندیکایی برای نیل به هدف‌های مشترک زیان می‌رساند.

در مقابل، ما با گرایش دیگری نیز روبرو هستیم که آن نیز با شانه خالی کردن از مسئولیت مبارزه پیگیر و خستگی ناپذیر برای احیای حقوق سندیکایی، می‌کوشد ماهیت جنبش سندیکایی و سازماندهی آن بر پایه صحیح طبقاتی را انکار کرده و بطور کلی جنبش سندیکایی را جدای از دیگر بخش‌های جنبش مردمی معرفی سازد. این گرایش به ویژه از آنجا که با اجرای سیاست‌های موسوم به اصلاح ساختار اقتصادی بر اساس دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، طبقه کارگر ایران از نظر کیفی و کمی در وضعیتی نامناسب قرار گرفته، از امکان و زمینه‌های جدی رشد برخوردار است. محور و مبنای اصلی حرکت این گرایش محدود کردن فعالیت طبقه کارگر به مطالبات صرفا اقتصادی است و درست در نقطه مقابل بینش طبقاتی در باره سندیکاها قرار دارد.

این تفکر و یا گرایش در رویدادهای اخیر و تحولات جنبش سندیکایی عمدا بر نقش استبداد چشم می‌بندد و اصولا جنبش سندیکایی را جدای از دیگر بخش‌های جنبش مردمی معرفی می‌سازد. در حالی که بررسی جنبش کارگری کشور ما نشان می‌دهد که با تشدید تضاد و روبرویی طبقاتی، مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی ارتقاء یافته و لذا وجود سندیکاها واقعی نه تنها برای دست یابی به اهداف مبارزات اقتصادی مفید و ضرور است، بلکه برای نیل به هدف‌های عام سیاسی و سازماندهی نیروهای راستین هوادار تحولات بنیادین اجتماعی کمک موثر و مهمی به شمار می‌آید. سازمان‌های سندیکایی ضمن حفظ ماهیت مستقل خود، در عرصه‌های مختلف، سازمان‌هایی خنثی و بی طرف نیستند. سندیکاها همواره و همیشه جانبداری طبقاتی داشته و در مبارزه برای صلح و مبارزه بر ضد جهانی سازی و جز اینها حضور و نقش بسیار فعال داشته و دارند. محدود کردن سندیکاها و به طور کلی جنبش سندیکایی به جنبشی منزوی و جدای از دیگر اندام‌های جامعه و در دوران کنونی جدا کردن آن از دیگر گردان‌های جنبش مردمی به ویژه جوانان و دانشجویان و زنان، نه تنها قدرت این جنبش را تضعیف، بلکه امکان رشد و تکامل آن را نیز از میان می‌برد. جنبش سندیکایی امروز ایران در خلاء و خارج از مبارزات حداقل ده سال گذشته، رشد و گسترش نیافته است. تمام نقطه قدرت این جنبش در آن است که در بطن رخدادهای پر اهمیت سال‌های اخیر و بر پایه ضرورت‌های عینی و در پیوند ارگانیک با دیگر جنبش‌ها رشد و قوام یافته است. بنابر این تأکید بر این امر که، مبارزه جنبش سندیکایی و به طور کلی اهمیت حضور توانمند سندیکاها و حفظ و دفاع از استقلال آنها در چارچوب مبارزه عام طبقاتی تعریف و ترسیم می‌شود، از اهمیت اصولی برخوردار است!

با آنچه مورد اشاره قرار گرفت، لازم است باردیگر اهمیت انکار ناپذیر اتحاد عمل و مبارزه در راه وحدت صفوف سندیکایی را مورد تأکید قرار دهیم. جنبش سندیکایی کارگران و زحمتکشان میهن ما هنوز مراحل رشد ابتدایی خود را می‌گذراند، از این رو باید نسبت به آن با حد اعلا احساس مسئولیت برخوردار کرد. فعالیت ثمر بخش سندیکایی در صورتی از حرف به عمل در می‌آید که با توده زحمتکشان کارگاه‌ها و مراکز تولیدی - خدماتی در ارتباط نزدیک قرار گیرد. از این راه می‌توان از خواست‌های به حق زحمتکشان دفاع و با توجه به امکانات و وضعیت موجود با بهره‌گیری از روزه‌ها و توجه دقیق به وضع سیاسی و با برگزیدن راه‌ها و شیوه‌های مناسب و واقع بینانه در راه تأمین خواست‌های زحمتکشان مبارزه کرد. در عین حال بکار بستن اصول تشکیلاتی سندیکایی ایجاب می‌کند که اعضای سندیکا و مجموعه زحمتکشان مراکز واحدهای تولیدی و خدماتی در جریان فعالیت‌های نمایندگانی خود قرار گرفته و در انجام امور به شکلی دمکراتیک دخالت داده شوند. جنبش سندیکایی در سرنوشت مبارزه‌ای که در میهن ما جریان دارد نقش مهم و اساسی برعهده دارد بنابر این باید با تمام توان و امکانات از جنبش موجود در کشور حمایت و در راه وحدت آن تلاش ورزید!

ادامه آمریکای لاتین ...

لاتین و مرکزی و اروپا. آزادی یعنی آزادی انحصارهای اسلحه سازی و نفتی برای به راه اندازی جنگ و خون ریزی در جهان! به همین دلیل نیز با شادمانی وصف ناپذیری از اقدام دولت بوش در جریان سی و هفتمین مجمع عمومی سازمان کشورهای قاره آمریکا که در پاناما برگزار شد و طی آن کاندولیزا رایس از دبیر کل سازمان کشورهای قاره آمریکا خواسته بود، دولت چاوز را در زمینه ممانعت از ادامه فعالیت شبکه تلویزیونی RC TV تحت فشار قرار داده و آن را در کنار کوبا محکوم کند، استقبال کردند. در کنار این نوع تبلیغات برنامه ریزی شده، ارتجاع حاکم نیز می‌کوشد با مانورهای فریبکارانه به ویژه روابط با ونزوئلا و نیکاراگوئه (پس از پیروزی ساندنیست‌ها) جنبش ترقی خواه میهن ما را به چالش گرفته و سبب تضعیف آن خصوصا در میان کارگران و دانشجویان گردد. روزنامه "هم میهن"، ۱۷ خرداد ماه در گزارشی کوتاه اعلام داشت: "به دنبال سفر هفته آینده اورتگاه به ایران، بسیج دانشجویی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران روز ۱۹ خرداد ماه در تالار شهید چمران دانشکده فنی، همایشی را با حضور رییس جمهور نیکاراگوئه و هیئت همراه برگزار می‌کند دلیل برگزاری این همایش که "جبهه مقاومت جهانی" نامیده می‌شود همبستگی با دولت و ملت مبارز و ظلم ستیز نیکاراگوئه اعلام شده است. "چرا و به چه علت به یکباره بسیج دانشجویی، یعنی بخشی از چاقو کشان و نیروهای سرکوب رژیم بر ضد جنبش دانشجویی کشور شعار دهان پر کن اما تو خالی" "جبهه مقاومت جهانی" را طرح می‌کنند؟ بی شک این یک مانور حساب شده از سوی ارتجاع حاکم با توجه به فضای کنونی دانشگاه‌های کشور است. فضایی که همین بسیج دانشجویی به مثابه بازوی سرکوبگر رژیم در دانشگاه‌ها هم اکنون مشغول تصفیه و نابودی آن است. هدف گیری اصلی در این اقدام، به سوی جنبش مستقل دانشجویی نشانه گیری شده ارتجاع تلاش می‌ورزد این جنبش را ضعیف و مخصوصا جوانان و دانشجویانی را که به اندیشه‌های دوران ساز و علمی مارکسیستی گرایش دارند و این گرایش در میان دانشجویان به دلایل کاملا عینی روبه رشد است را "خلع سلاح" کرده و سپس در هم بکوبد. هیچ گونه انگیزه صادقانه و مترقی در پشت این اقدامات و حرکات نبوده و نیست و نباید فریب واپس گرایان را خورد. بسیج دانشجویی و گردانندگان آن هرگز به مبارزه با امپریالیسم، آن گونه که نیروهای ترقی خواه جهان و از جمله مبارزان چپ آمریکای لاتین اعتقاد دارند، معتقد نبوده و اصولا این نیروهای مرتجع در صف دشمنان ترقی و پیشرفت اجتماعی، صلح و سوسیالیسم قرار دارند. مانورهای فریبکارانه امروزی این نیروها صرفا در خدمت تحکیم و تقویت پایه‌های قدرت ارتجاع و رژیم ضد مردمی ولایت فقیه است! همایش بسیج دانشجویی و جبهه مقاومت جهانی حرکتی فریبکارانه، در راستای ضربه زدن به جنبش دانشجویی و افزایش فشار به جوانان و دانشجویان دگر اندیش است! چرا و به چه دلیل مدافعان نولیبرالیسم در میهن ما چنین بی پروا به انتخاب مردم در برخی کشورهای آمریکای لاتین حمله می‌کنند؟

علت این کینه توزی چیست؟ پاسخ را می‌باید در رویدادهای پر شتاب جهانی، تجربه با ارزش کنونی در آمریکای لاتین و تحولات بسیار پر اهمیت صحنه سیاسی ایران جستجو کرد. آنان که خام اندیشانه زیر علم پایان تاریخ سینه می‌زنند، اکنون با حضور توده‌های محروم در آمریکای لاتین با وحشت و هراس زاید الوصفی شاهد آغاز دوباره تاریخی هستند که توده‌ها سازنده‌اند. در این میان ارتجاع حاکم نیز نخواهد توانست با مانورهای فریبکارانه، سیمای ضد انسانی خود را پنهان و به اهداف ضد مردمی و چپ ستیزانه خود نایل آید!

(ارجوع کنید به کتاب "آزادی خواهی نافرجام"، فصل‌های دوم و ششم، صفحات ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱



ای از هدف ها در اروپا ی غربی ممکن است با موشک نشانه گیری شوند و دیگری در باره ی نفت و گاز که از روسیه به اروپای غربی می رود. واما دو موضوع دستور کار اجلاس: اول- در باره ی گرم شدن هوا.

آمریکا حتی قبل از کنفرانس کوشید تا در رابطه با این مسئله از انزوا بیرون آید. دولت بوش پیشنهاد کرد که سال آینده کنفرانسی از چند کشور بزرگ "آلوده کننده" هوا، از جمله چین و هند، تشکیل شود، بدون اینکه در رابطه با راه حل های پیشنهادی جدی هیچ

گونه صحبتی مطرح باشد. به هر حال موضع گیری آمریکا برای کشورهای اروپایی و به خصوص صدر اعظم آلمان، آنجلا مرکل، که می خواست روی سطح مشخصی از کاهش گاز های مضر برای محیط زیست توافق به عمل آید، ناراحت کننده بود. متن تصویب شده توسط اجلاس "گروه ۸" این است که این کشورها تدابیری را در نظر بگیرند که تا سال ۲۰۵۰ صدور گاز کربنیک به نصف کاهش یابد. فرمول بندی اساساً طوری است که حداقل و فقط ظاهر را حفظ می کند.

و اما در باره ی مبارزه با فقر:

در روز پایانی اجلاس، سران پنج کشور آفریقایی بنیان گذار "همکاری جدید برای توسعه ی آفریقا" و دبیر کل اتحادیه ی آفریقا، به اجلاس دعوت شده بودند و در جلسه اختتامیه آن شرکت جستند.

دو سال پیش نیز در کنفرانس اسکاتلند، در اقدامی مشابه که از آن به عنوان یک چرخش تاریخی نام بردند، کشورهای "گروه ۸" مدعی لغو بخشی از بدهی پاره ای از فقیرترین کشورها شدند. ولیکن واقعیت اینست که حتی بر اساس ارقام بانک جهانی وضع از پیش بدتر و فاصله با "توسعه" باز هم عمیق تر شده است. زیرا مقدار لغو پیش بینی شده بدهی ها نه فقط کافی نبود (۴۰ میلیارد دلار) بلکه همین مبلغ هم مشروط به شرایطی بود که وضع را وخیم تر کرد. در راس این شرایط وجود یک "حاکمیت مطلوب" قرار داشت، یعنی یک حکومت گوش به فرمان و به دنبال آن خصوصی سازی گسترده، باز کردن بازار داخلی به روی کالاهای خارجی، برداشتن گمرک و ... اجرای این تدابیر، کشورهای مورد بحث را از حق حاکمیت محروم کرد و بیش از پیش از "توسعه" محروم ساخت.

اما مصوبات جلسه ی پایانی امسال "گروه ۸" بسیار دور از نیازهای اقتصادی و بهداشتی آفریقا است. تعهدات تا سال ۲۰۱۰ در یک "معاهده" الحاقی، کمی بیش از ۳۵ میلیارد یورو در سال خواهد بود. اما متن اعلامیه هیچ نوع مکانیسم الزام آوری را در این رابطه خاطر نشان نمی سازد.

"گروه ۸" کشور عمده سرمایه داری در باره ی تصمیم دیگرشان مبنی بر افتتاح یک حساب چهل و چهار میلیاردی برای مبارزه با بیماری هایی مانند ایدز، مالاریا و سل در آفریقا، اهمیت بسیاری قابل شدند، ولی واقعیت این است که هیچ تاریخی برای افتتاح این حساب در نظر نگرفته شده است. حتی یکی از سازمان های غیر دولتی، نسبت به قولی که در سال ۲۰۰۵ داده شده بود، مصوبه کنونی را یک "عقب نشینی شرم آور" قلمداد کرد.

ادامه کنفرانس سران هشت کشور ...

روز اول، اتفاق ناگوار دیگری روی ندهد.

هدف تظاهر کنندگان این بود که راه دسترسی به کنفرانس بسته شود و آنان به این کار موفق شدند. از سوی دریا، کشتی های متعلق به جنبش "سبزها" این وظیفه را به عهده گرفتند و در خشکی، هزاران مبارز کوشا، در گروه های کوچک، دایم در حرکت بودند. از این سو به آن سو و از این خیابان به آن خیابان می رفتند. در نتیجه راه دستیابی به ایستگاه "هایلیگندام"، محل برگزاری اجلاس، پنج بار بسته شد.

اما در آن سو، پشت میله های آهنین و سیم های خاردار چه گذشت؟

اجلاس در "ایستگاه هایلیگندام"، که ۱۲ کیلومتر نرده های آهنین و سیم های خاردار به ارتفاع ۲.۵ متر، دور تا دور آن را گرفته بودند و تحت شدیدترین تدابیر امنیتی قرار داشت، برگزار شد. پلیس و سایر نیروهای امنیتی، اقدامات پیشگیرانه ی وسیعی را از مدت ها پیش در شهرهای بزرگ آلمان به مورد اجرا گذاشته بودند. منازل بسیاری مورد بازرسی و جستجو قرار گرفت. پلیس بسیاری از کامپیوترها و دیسک های آن ها را ضبط کرد و منابع پاره ای از خدمات اطلاعاتی بسته (بلوکه) شده بود. حتی شایع کرده بودند که ممکن است عده ای را تحت نام "اقدامات پیشگیرانه" توقیف کنند.

به هر حال در اجلاس "گروه ۸" دو موضوع اساسی در دستور کار قرار گرفت: فقر در آفریقا؛ دگرگونی های اقلیمی و محیط زیست (از جمله بالا رفتن درجه حرارت)

در مورد اول، "کات ژو کپینگ"، نماینده "بوند ستاک" (مجلس ملی آلمان)، نایب رئیس حزب چپ، قبل از کنفرانس، به درستی خاطر نشان کرده بود که گذشته نشان داد که تصمیمات گرفته شده در اجلاس پیشین، راه حلی را در بر نداشت. او گفت: "حتی نصف هفت صد و پنجاه میلیارد دلاری که آمریکا هر ساله صرف تسلیحات می کند، برای مبارزه با فقر موجود کافی است." و افزود: "اما تصمیم گیرندگان "هایلیگندام"، این بار نیز برای سیه روزان آفریقا اشک تمساح خواهند ریخت، در حالی که خود آنها مسئول این فقر هستند. آنها از بدهی کشورهای در حال رشد نمی کاهند ولی آنان را مجبور خواهند کرد که حقوق گمرکی روی واردات را لغو کنند و یا از آن بکاهند، که نتیجه ی آن پر شدن بازارهای داخلی این کشورها از فرآورده های حمایت شده با سوبسیدهای قابل ملاحظه برای کمپانی های بزرگ خواهد شد و دهقانان خرده پای این کشورها در برابر چند میلیتی ها هیچ شانسی ندارند."

اما فضای سنگین از همان آغاز گشایش و حتی پیش از آن بر اجلاس سنگینی می کرد. سنگینی حداقل به خاطر دو مورد اختلاف بزرگ، حاکم شده بود، که یکی از آنها، درست چند روز پیش از اجلاس بین واشنگتن و مسکو به وجود آمده بود. جدال بر سر استقرار سپر موشکی آمریکا در مرزهای روسیه (لهستان و جمهوری چک) بود که واکنش خشم گینانه ی مسکو را به همراه داشت.

آمریکا مصمم است که با استقرار این موشک ها، گلوی روسیه را بفشارد و این کشور را وادار سازد تا به ویژه در باره ی نفت و گاز دریای خزر تسلیم آمریکا شود. آمریکا ابزارهای سیستماتیک، ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی را برای نتیجه بخش ساختن تهاجم خود به کار خواهد گرفت. لازم است به این موضوع نیز اشاره شود که در ۱۵ مارس سال جاری، یک موافقت نامه برای ساختن یک خط لوله ی نفت، که طلای سیاه را از دریای خزر به شهر یونانی آلساندروپولیس، از طریق بلغارستان، می رساند، بین آمریکا و طرف های ذینفع امضا شد. در حالی که یک قرارداد دیگر برای انتقال گاز از باکو به ترکیه از طریق تفلیس، پایتخت گرجستان، هم اکنون به بهره برداری رسیده است.

ضد حمله ی روسیه نیز چنان ضعیف نبوده و این کشور هم اکنون نیز به دو واکنش دست زده است. یکی تهدید به این که پاره



سال بیکار است)، مسئول سازمان دهی این اردوگاه ها بود . او به اتفاق جوانان سندیکای کارگران مهندسی و فلزکاری I G ، "METAL" آی-گ-م-تال " آلمان، که داوطلبانه فعالیت می کردند، این اردوگاه ها

را برپا کردند. در این اردوگاه ها همه چیز برای پیش برد یک تبادل واقعی افکار و ایده ها فراهم شده بود. "ریگن برگ" گفت که، مقامات شهر نیز این مباحثات را اجازه داده بودند و برای ما در دسری فراهم نکردند. اما او افزود: " در شهر روستوک فقط چهار هفته قبل از اجلاس، زمین های بایر را در اختیار ما گذاشتند." و علت آن را چنین بیان کرد: " ما این زمین ها را زمانی گرفتیم که مقامات شهر روستوک متوجه شدند که در هر صورت انبوه انبوه مردم برای تظاهرات خواهند آمد."

در اردوگاه ها پیش بینی همه چیز شده بود، مثلاً یک چادر برای شارژ کردن تلفن های همراه اختصاص یافته بود و چادر دیگری برای اطلاع رسانی . اما در رابطه با مطبوعات، وضع چندان مطلوب نبود . مسئول این قسمت که از بندر بارسلون آمده بود ، گفت : " ما محل کار برای مطبوعات را فراهم کرده بودیم ، ولی بسیار تاسف انگیز بود که می دیدیم فقط تعداد اندکی از رسانه ها از " ضد اجلاس " سخن می گویند و اگر هم حرفی می زدند ، قبل از هر چیز از "خسونت تظاهر کنندگان بود."

در این اردوگاه ها طی سه روز در باره ی مسایلی از قبیل "جایگزین های نولیبالیسم"، عدالت اجتماعی، محیط زیست ، جنگ و مهاجرت ، بحث و تبادل نظر به عمل آمد. هشت کنفرانس برگزار شد ، نزدیک به ۱۲۰ گروه کار و بیش از هزار ثبت نام برای بحث توسط شرکت کنندگان، را باید در فهرست فعالیت های اردوگاه ها ملحوظ کرد.

با اینکه امکان تحریک و پرووکاسیون، به ویژه از جانب پلیس وجود داشت و شرکت کنندگان حتی احتمال می دادند که ممکن است اردوگاه ها را شبانه محاصره کنند تا جلو تظاهرات گرفته شود، ولی با دور اندیشی گردانندگان ، سبب شد که بعد از حادثه

کنفرانس سران هشت کشور بزرگ صنعتی و مبارزه هوشمندانه و تحسین برانگیز جنبش ضد نولیبالیسم با آن

اجلاس سران کشورهای بزرگ سرمایه داری ، روزهای ۱۷ و ۱۸ خردادماه (۷ و ۸ ژوئن)، در شهر ساحلی روستوک در آلمان برگزار شد. از ماه ها قبل فعالان جنبش مخالفت با "جهانی شدن" و نولیبالیسم و مبارزان ضد امپریالیسم تدارک تظاهرات اعتراض آمیزی را در مقابله با طرح های سوداگرانه و ضد مردمی سران "گروه ۸" دیده بودند. در نیمه اول خرداد ماه در روستوک صفوف مبارزه ای کلاسیک شکل گرفت. در یک سو، نمایندگان غارتگران جهان، و در سوی دیگر نمایندگان ساکنان کره ی زمین، که به دلیل چپاول گری های سیری ناپذیر سرمایه داری نولیبالی ، دهشتناک ترین روزهای تمام طول تاریخ را می گذرانند، قرار داشتند. هیچ یک از قلمرو های زندگی انسانی، از محیط زیست و گرم شدن زمین گرفته تا بی نوایی ، فقر و بیماری و سیه روزی میلیون ها انسان در سراسر کره زمین و حتی و از جمله در محدوده خود هشت کشور ثروتمند سرمایه داری، از دستبردهای ویران ساز سرمایه داری کنونی در امان نیست.

سران کشورهای بزرگ صنعتی ، هرچند وقت یک بار دور هم گرد می آیند تا به رفع و رجوع "مشکلات" اساسی که خود باعث و بانی آن هستند ، بپردازند. اما در پس ظاهر ، بیش از هر چیزی، تضادهای خود آنهاست که اکثر وقت اجلاس را می گیرد و آنان را به جان هم می اندازد. کنکاش در باره ی هر مطلبی نه برای یافتن بهترین راه حل هاست ، بلکه نشئت گرفته از خصلت امپریالیستی خود آنها و وجود تضادها و رقابت بیرحمانه بین آن ها است. اینان نمایندگان بی عاطفه ترین طبقه ی غارتگرند و شاید خود نیز واقف بر این حقیقت نباشند که توانایی حل هیچ یک از مسایل و مشکلات موجود را ندارند. چرا که این مشکلات مستقیماً زاییده ی سیستم سرمایه داری ، همزاد و همراه آن است و فقط با نابودی سرمایه داری از بین می رود. اما واقعیت آن است که آنها برای کسب سهم هرچه بیشتر از خوان یغما ، نه به کنکاش و رایزنی ، بلکه با چنگ و دندان نشان دادن به یک دیگر ، گرد هم می آیند و این تضادهای امپریالیستی است که هر چند وقت یک بار دنیا را به جنگ و نابودی می کشاند.

امروزه، پس از بیش از ۵۰ سال از پایان جنگ دوم جهانی ، جهان حتی یک روز را بدون جنگ نمی گذراند. آمریکا ، به ویژه پس از فروپاشی شوروی ، به بزرگ ترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان و در نتیجه زورگو ترین کشور دنیا مبدل شده است. پایگاه های نظامی آمریکا در همه جای جهان گسترده است. گویی که دنیا به اشغال نظامی این ابر قدرت در آمده باشد.

حال از این قسمت تیره و تاریک سرمایه داری به آن جانب پرچوش و خروش و نویدگر سپیده دمان آزادی ، نظری بیفکنیم. در اینجا نمایندگان و پیشگامان میلیاردها انسان بر ضد آن غارتگران، فریاد رسای خود را در سراسر گیتی طنین افکن می سازند که "جهانی دیگر ممکن است!"

از مدت ها پیش تدارک برای " ضد اجلاس سرمایه داری " آغاز شده بود. تدارک توسط چهل سازمان، سندیکا و حزب سیاسی، به عهده گرفته شده بود. برای مراجعه کنندگان در سه شهرک نزدیک روستوک ، (محل تشکیل اجلاس گروه ۸)، سه اردوگاه برپا شده بود. " آدولف ریگن برگ " ، مهندسی از اشتوتگارت ، (که مدت یک

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

به یاد شهدای حزب، رن از کلن ۱۰۰ یورو
به مناسبت اول ماه مه سیامک از کلن ۱۵۰ یورو
به یاد خاطره تابناک شهدای فاجعه ملی از لندن ۲۵۰ پوند

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس های پستی:
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
http://www.tudehpartyiran.org آدرس های اینترنت و "آی-میل"
E-Mail: dabirxhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 767
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

23 June 2007

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse